

رابطه هوش‌های چندگانه (هاوارد گاردنر) و مهارت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران مقطع متوسطه شهرستان مانه و

سملقان

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۳

تاریخ پذیرش مقاله: خرداد ۱۳۹۴

معصومه محمد آبادی^۱، رویا افراسیابی^۲

^۱ مسئول مکاتبات. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، گروه علوم تربیتی، بجنورد، ایران. Email: mmohammadabadi@gmail.com

^۲ استادیار. گروه مدیریت. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد. گروه علوم تربیتی. بجنورد، ایران. Email: royae1352_dr@yahoo.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش‌های چندگانه هاوارد گاردنر (هوش میان فردی، هوش حرکتی/جسمانی، هوش بصری/فضائی) و مهارت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران شهرستان مانه و سملقان می‌باشد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری شامل ۲۰۰ نفر بوده که تعداد ۱۲۷ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شد. در گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه استاندارد هوش‌های چندگانه و مهارت تفکر استراتژیک استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه هوش‌های چندگانه ۰/۸۹۳ و برای پرسشنامه مهارت تفکر استراتژیک ۰/۹۴۴ بدست آمد. نتایج پژوهش نشان داد که بین هوش‌های چندگانه و مهارت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه معناداری وجود دارد. یعنی هوش چندگانه در ایجاد و ارتقاء تفکر استراتژیک سازمانی اهمیت بسزایی دارد و با ارتقاء هوش چندگانه، تفکر استراتژیک نیز ارتقاء می‌یابد.

واژه‌گان کلیدی: هوش، هوش‌های چندگانه، نظریه گاردنر، مهارت تفکر استراتژیک..

مقدمه

درباره هوش نظریه‌های متفاوتی مطرح شده است. از جدیدترین نظریه‌هایی که پیرامون هوش بیان شده است نظریه هوش‌های چندگانه دکتر هاوارد گاردنر^۱ است، هاوارد گاردنر تعریف تازه‌ای از هوش ارائه داده است. «به نظر گاردنر همه افراد، انواع هوش را به نسبت‌های متفاوت دارند و در فرایند یادگیری انواع هوش در حکم مکمل با یکدیگر کار می‌کنند. انواع هوش چندگانه از نظر گاردنر عبارتند از: هوش کلامی/زبانی، هوش منطقی/ریاضی، هوش دیداری/فضایی، هوش بدنی/جنبشی، هوش موسیقی/ریتمیک، هوش درون فردی، هوش برون فردی (فرا فردی)، هوش طبیعت گرایی و هوش هستی گرایی» (آرمسترانگ، ۱۳۸۴: ۲۹).

با توجه به آنچه بیان شد بنظر می‌رسد، مفاهیم هوش چندگانه در مدیریت و تفکر استراتژیک مدیران تأثیری درخشان دارد. و توافقی کلی مبنی بر این وجود دارد که انواع مختلف هوش، نقش مهم و بسزایی در قدرت تفکر استراتژیک مدیریت ایفا می‌کند. لذا بر این آمیدیم تا در این پژوهش به بررسی رابطه هوش‌های چندگانه و قدرت تفکر استراتژیک بپردازیم.

از آنجا که هوش^۲ قابل رویت نیست لذا در خصوص تعریف آن اتفاق نظر وجود ندارد. از هوش تعریف واحدی به دست نیامده و صاحب نظران مختلف آن را به گونه‌های متفاوت تعریف کرده‌اند. این مساله یکی از بحث برانگیزترین مباحث روانشناسی معاصر است. قرنهاست که فیلسوفان درباره ماهیت هوش به نظرپردازیهای اکتفا کرده‌اند اما روانشناسان تلاش خود را به اندازه‌گیری عینی و دقیق آن معطوف داشته‌اند. از سوی دیگر در ارائه تعریفی جامع از هوش، بین روانشناسان اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. با بررسی این تعاریف شاید بتوان تنها نقطه مشترک بین آن‌ها را در توانایی تفکر انتزاعی

یکی از مهم‌ترین مشکلات سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی هزاره سوم انتخاب و انتصاب مدیران کارآمد و شایسته می‌باشد، که این مهم با توجه به چالش‌های اساسی در زمینه منابع انسانی بیش از پیش نمود پیدا کرده است. پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته (الیس، ۲۰۰۳ و ریگو ۲۰۰۲ و موسسه پژوهشی لپهر ۲۰۰۳) نشان می‌دهد معمولاً مدیران کارآمد دارای برخی ویژگی‌های اصلی هوش چندگانه^۱ هستند. از سوی دیگر با توجه به نقش و جایگاه ویژه مدیریت، انتخاب مدیران شایسته در نظام آموزش و پرورش از اهمیت قابل توجه‌ای برخوردار است. زیرا شاید هر گونه اشتباه در چنین انتخابی ضررهای معنوی متعددی از جمله در منابع انسانی و سرمایه‌های معنوی نظام آموزش و پرورش ایجاد خواهد کرد. که اهمیت شاخص مورد اشاره را دو چندان می‌نماید. از آنجاییکه یکی از دغدغه‌های اصلی آموزش و پرورش مدیریت و رهبری و بهبود عملکرد مدیران است. کمالینکه انتخاب مدیران توانمند و باهوش در این نظام می‌تواند بسیاری از مشکلات و چالش‌های فعلی حاکم بر آموزش و پرورش را برطرف نماید (قورچیان و همکاران، ۱۳۹۰). اگر مدیران و دبیران آموزشی یک جامعه دارای دانش و مهارت کافی از جمله مهارت تفکر استراتژیک باشند، بدون تردید نظام آموزشی نیز از اثر بخشی، کارایی و اعتبار بالایی برخوردار خواهد بود. داشتن مدیرانی با قدرت تفکر استراتژیک امروزه از نیازهای اساسی سازمانهاست. همین نیاز ما را به سمتی سوق می‌دهد که از خود بپرسیم چگونه می‌توان چنین مدیران مناسبی را که دارای ذهنی باز و واگرا و دارای مهارت تفکر استراتژیک هستند، را شناسایی کرد و در راس امور گذاشت تا سازمانها را در قرار گرفتن در مسیر درست و رو به رشد و همراه با موفقیت یاری رساند (میر کمالی، ۱۳۸۵: ۲۴).

^۲ Gardner

^۳ Intelligence

^۱ Multiple intelligences

ایجاد محصولات جدیدی که در یک فرهنگ ارزشمند تلقی می‌شوند، به کار می‌رود (گاردنر، ۱۹۹۳، به نقل از دراکفورد، ۲۰۱۰).

همچنین گاردنر (۲۰۰۴) هوش را به عنوان یک توانایی شناختی کلی توصیف می‌کند. او هوش را یک توانایی فردی برای حل مسایل از طریق سازگاری ایده‌های جدید با ایده‌های از قبل آموخته شده می‌داند. اینگونه هوش فرصت‌های مختلفی را برای یادگیرنده فراهم می‌کند تا توانایی حل مساله‌اش را نشان دهد (کوبوت، ۲۰۱۱).

هوش چندگانه گاردنر چیست؟ در حدود سه دهه قبل، یعنی سال ۱۹۸۳ هاوارد گاردنر، اساس و پایه روان‌شناسی تربیتی را با انتشار کتاب «چارچوب‌های ذهن» تکان داد. وی دیدگاه رایج و سنتی در مورد هوش را مورد نقد قرار داد و مفهوم هوش‌های چندگانه را مطرح کرد. وی معتقد بود دیدگاه‌های سنتی هوش بر ابعادی از توانایی‌ها و استعداد‌های انسان مثل هوش منطقی-ریاضی و کلامی-زبانی تأکید دارد و آن‌ها را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و از سایر جنبه‌های هوش غافل است (فارنهام و همکاران، ۲۰۰۲). به عقیده گاردنر هوش توانش روانی-زیستی به منظور پردازش اطلاعات است که می‌تواند در یک محیط فرهنگی جهت حل مسأله یا خلق محصولات جدیدی که در یک فرهنگ ارزشمند است فعال شود (گاردنر، ۲۰۱۱). وی عنوان می‌کند هر فرد دارای ویژگی‌های زیر است: مجموعه‌ای از مهارت‌هایی که فرد را قادر می‌کند تا وقتی در زندگی با مشکلات واقعی مواجه می‌شود آن‌ها را حل کند، توانایی ایجاد محصول مؤثر یا ارائه یک فرصتی که در فرهنگی ارزشمند باشد و توانایی درک یا ایجاد ضرورت علمی جدید. به عقیده گاردنر انسان دارای چند هوش متمایز از هم است نه یک هوش خاص. هر پیشرفت چشمگیر فرد مستلزم ترکیبی از این هوش‌ها است (گاردنر، ۲۰۱۱).

هوش میان فردی: این هوش یعنی توانایی درک خود و آگاه بودن از حالت درونی خود. این یادگیرنده‌ها سعی می‌کنند احساسات درونی، رویاها، روابط با دیگران و نقاط ضعف و قوت خود را درک کنند. مهارت‌های آنها شامل موارد زیر می‌شود: تشخیص نقاط ضعف و قوت خود، درک و بررسی خود، آگاهی از احساسات درونی، تمایلات و رویاها، ارزیابی الگوهای فکری خود، باخود استدلال و فکر کردن، درک نقش خود در روابط با دیگران. مسیرهای شغلی ممکن برای آنها عبارتند از: پژوهشگر، نظریه پرداز، فیلسوف، معلم (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۵).

هوش بصری/فضایی: این نوع هوش توانایی درک پدیده‌های بصری است. یادگیرنده‌های دارای این نوع هوش، گرایش دارند که با تصاویر فکر کنند و برای به دست آوردن اطلاعات، نیاز دارند یک تصویر ذهنی واضح ایجاد کنند. آنها از

دانست. گروهی از روانشناسان، هوش را قدرت یادگیری دانسته‌اند (نیلسون، ۲۰۰۸). بعضی مانند وکسلر، هوش را مجموعه‌ای توانایی‌های کلی و عمومی فرد برای عمل هدفدار، تفکر منطقی و سازگاری مؤثر با محیط تعریف کرده‌اند. بینه و سیمون هوش را قضاوت در جهت درک و استدلال درست می‌دانند. ترمن آزمون‌های هوشی استنفورد-بینه را وسیله‌ای برای اندازه‌گیری یک عامل عمومی در هوش می‌داند که می‌توان آن را توانایی حل مسائل انتزاعی نامید. قدرت در دیدگاه‌های مربوط به هوش آن چنان گسترده بود که برخی روانشناسان را از حیطه نظریه پردازی به حوزه عمل کشاند، چنانچه آن‌ها معتقدند در مقوله‌های روانشناختی باید دور از هر گونه نظریه پردازی به تعاریف عینی و عملیاتی پرداخت، از جمله آلفرد بینه در یک تعریف عملیاتی هوش را همان چیزی می‌داند که آزمون‌های هوشی می‌سنجد. او هوش را معادل توانایی‌های ذهنی و زبانی می‌داند و آزمون‌های هوش مقیاس مناسبی برای اندازه گیری هوش بشمار می‌رفتند. از سوی دیگر در روانشناسی جدید دو دیدگاه در مورد هوش وجود دارد. یکی از این نظریه‌ها مربوط به اندیشمندانی است که در زمینه رشد کودک به مطالعه و تحقیق پرداخته‌اند که نمونه بارز آن در آثار پیازه متیلور است و دیگری نظریه‌هایی است که بر اساس کمی نگری، نوعی دیدگاه روانسنجی را در مطالعه هوش وارد کرده‌اند، نمونه این تلاش‌ها را در آثار بینه، اسپیرمن^۴، ترستون^۵ و امثال آن‌ها می‌توان مشاهده نمود (کدیور، ۱۳۷۶).

سیف (۱۳۸۰) هوش را اینگونه تعریف می‌کند: در حقیقت هوش یک سازه فرضی است، نه یک خصلت عصب شناختی آدمی. به سخن دیگر هوش یک مفهوم ساختگی است که روانشناسان آن را برای سهولت ارتباط ابداع کرده‌اند. با این حال عناصری وجود دارد که مورد توافق غالب پژوهشگران است (بهرامی، طاهری، ۱۳۹۱).

طبق اظهار مایر (۲۰۰۰) هوش به توانایی استدلال انتزاعی و محاسبات ذهنی گفته می‌شود که طبق قواعد خاصی انجام می‌گیرد.

استرنبرگ^۶ (۱۹۹۷) با در نظر گرفتن دیدگاهی متفاوت، بر جنبه‌های بیولوژیکی و تکاملی تأکید می‌کند و اظهار می‌دارد که هوش به معنای توانایی‌های ذهنی لازم برای تطابق، گزینش و شکل‌دهی در هر زمینه محیطی است و موجب انعطاف‌پذیری در موقعیت‌های چالشی می‌شود.

از نظر گاردنر هوش به عنوان پتانسیل زیستی روان شناختی برای حل مسائل یا درست کردن محصولات جدیدی که حداقل در یکی از زمینه‌های فرهنگی ارزشمند باشد، تعریف شده است، او هوش را مجموعه توانایی‌هایی می‌داند که برای حل مساله و

۴ Spearman

۵ Thurstone

۶ Sternberg R

زابریسکی (۱۹۹۳) تفکر استراتژیک را چنین توصیف می‌کند که «پیش درآمدی است برای طراحی آینده سازمان (همان) و از دیدگاه استامپ متفکران استراتژیک در تفسیر، تجزیه و تحلیل، تفسیر و بکارگیری اطلاعات ماهر بوده، و می‌تواند اطلاعات یکسان را در بیش از یک روش، مرتب کند و در نتیجه، گزینه‌های بیشتری را برای اقدام، در فرایند دستیابی به اهداف تعیین شده، ایجاد کنند (گل محمدی و محمدی، ۱۳۹۱).

پیشینه پژوهش

- رنجبری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان اثربخشی آموزش مبتنی بر هوش‌های چندگانه گاردنر بر میزان خطاهای املای دانش آموزان با ناتوانی یادگیری پایه سوم ابتدایی شهر اصفهان به این نتیجه دست یافتند که: آموزش مبتنی بر هوش‌های چندگانه گاردنر بر میزان خطاهای املای دانش آموزان با ناتوانی یادگیری املای موثر است. این نتایج می‌تواند به عنوان یک روش مداخله‌ای در بهبود اشکالات املای در دانش آموزان با ناتوانی یادگیری املای مورد استفاده قرار گیرد.

- دکتر فحیمی آذر و نوروزی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین هوش چندگانه با خود کارآمدی عمومی کارکنان در واحدهای تولیدی، بازرگانی و صنعتی استان آذربایجان شرقی این نتایج را عنوان کردند که بین هوش چندگانه و خود کارآمدی کارکنان رابطه وجود دارد.

- دکتر فخرالسادات نصیری و دکتر امیر حسین محمد داودی و فاطمه کریمی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "مهارت‌های مدیران و هوش‌های چندگانه آنان در مدیران مدارس متوسطه شهر همدان": نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پژوهش نشان داد، بین مهارت انسانی با هوش‌های کلامی، موسیقایی و میان فردی با سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معنادار وجود دارد. بین مهارت ادراکی با هوش‌های ریاضی-منطقی و درون فردی با سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معنادار وجود دارد، بین مهارت فنی با هوش‌های دیداری-فضایی و جسمی - حرکتی با سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معنادار وجود دارد.

- در تحقیقی که نادر قلی قورچیان و همکارانش در سال ۱۳۹۰ با عنوان تعیین سطح هوش چندگانه در مدیران آموزش عالی کشور انجام داده‌اند یافته‌های این تحقیق نشان داد که: وضعیت هوش منطقی/ریاضی، هوش بدنی/جنبشی، هوش بین فردی، هوش، هوش طبیعت گرایانه و هوش وجودی در مدیران دانشگاه آزاد اسلامی در منطقه هشت تهران در حد مطلوبی قرار دارد. اما هوش موسیقایی، دیداری/فضایی، هوش درون فردی و هوش زبانی این مدیران در حد ضعیفی قرار دارد.

- صالحه حامدیان (۱۳۹۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان بررسی میزان اثر بخشی هوش‌های چندگانه

نگاه کردن به نقشه‌ها، نمودارها، تصاویر، ویدئو و فیلم خوششان می‌آید. مهارت‌های آنها شامل موارد زیر است: ساختن پازل، خواندن، نوشتن، درک نمودارها و شکل‌ها، حس جهت شناسی خوب، طراحی، نقاشی، ساختن استعاره‌ها و تمثیل‌های تصویری (احتمالاً از طریق هنرهای تجسمی)، دستکاری کردن تصاویر، ساختن، تعمیر کردن و طراحی وسایل عملی، تفسیر تصاویر دیداری. شغل‌های مناسب برای آنها عبارتند از: دریاورد، مجسمه‌ساز، هنرمند تجسمی، مخترع، کاشف، معمار، طراح داخلی، مکانیک، مهندس.

هوش حرکتی/جسمانی: این هوش یعنی توانایی کنترل ماهرانه حرکات بدن و استفاده از اشیا. این یادگیرنده‌ها خودشان را از طریق حرکت بیان می‌کنند. آنها درک خوبی از حس تعادل و هماهنگی دست و چشم دارند (به عنوان مثال در بازی با توپ، یا استفاده از تیرهای تعادل مهارت دارند) آنها از طریق تعامل با فضای اطرافشان قادر به یادآوری و فرآوری اطلاعات هستند. مهارت‌های آنها شامل این موارد می‌شود: رقص، هماهنگی بدنی، ورزش، استفاده از زبان بدن، صنایع دستی، هنرپیشگی، تقلید حرکات، استفاده از دست هایشان برای ساختن یا خلق کردن، ابراز احساسات از طریق بدن. شغل‌های مورد علاقه آنها عبارتند از: ورزشکار، معلم تربیت بدنی، رقصنده، هنرپیشه، آتش نشان، صنعتگر (حاجی حسینی و بالغی زاده، ۱۳۸۹: ۹۰).

واژه "تفکر استراتژیک" امروزه اغلب به صورت گسترده و عمومی در ادبیات مدیریت استراتژیک به کار برده می‌شود که بیم بی معنی شدن، آن را تهدید می‌کند، بیشتر کسانی که از آن استفاده می‌نمایند، نمی‌توانند آن را معنی کنند. این واژه بیشتر مفهوم تفکر در استراتژی که دارای ویژگی‌های خاص است، به خود گرفته است. ولی این تعاریف عام از تفکر استراتژیک منظور کسانی که این واژه را بیان نموده‌اند نبوده است (لیدتکا، ۱۹۹۸: ۵۱).

تفکر استراتژیک عبارت است از فرآیند به کارگیری تجربه‌های قبلی در چهارچوبی منسجم که آن را تدوین استراتژی می‌نامند. با پیمودن این فرآیند می‌توان در موقعیت‌های حساس و بحرانی (استراتژیک) بهترین تصمیم‌ها را اتخاذ نمود. تفکر استراتژیک عبارت است از استفاده از چهارچوب‌های ذهنی مختلف که هنوز بسیاری از آنها ناشناخته‌اند. برای بررسی و تحلیل و در نهایت تصمیم‌گیری استراتژیک (استیسی، ۱۹۹۳: ۲۳) گری هامل تفکر استراتژیک را معماری هنرمندانه استراتژی بر مبنای خلاقیت و فهم کسب و کار توصیف می‌کند.

هنری میتزبرگ می‌گوید: تفکر استراتژیک یک فرآیند سنتز ذهنی است که از طریق خلاقیت و مشهود، نمای یکپارچه از کسب و کار را در ذهن ایجاد می‌کند (علی احمدی، ۱۳۸۲).

که تفاوت معناداری بین نمرات میانگین ریاضی در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس از آزمون و پیگیری وجود داشت به این صورت که میانگین نمرات گروه آزمایش به طور معناداری از میانگین نمرات گروه کنترل بیشتر بود.

- لیلا صادقی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه ی بین هوش چندگانه و سبک های رهبری تحولی و تبدالی مدیران مدارس متوسطه ی شهر اصفهان" انجام داده که یافته‌های پژوهش نشان داد: سبک رهبری تحولی تحت تأثیر هوش های بدنی، میان فردی، درون فردی، ریاضی-منطقی و زبانی مدیران و سبک رهبری تبدالی تحت تأثیر هوش های بدنی، درون فردی، ریاضی-منطقی و موسیقایی مدیران قرار دارد. اما هوش حرکتی/جسمانی در این زمینه بدون تأثیر است و در بررسی میزان استفاده ی مدیران از سبک های رهبری تحولی و تبدالی بر اساس رشته ی تحصیلی دبیران و نیز در خصوص میزان استفاده ی مدیران از سبک رهبری تبدالی بر اساس نوع مدرسه (دولتی-غیرانتفاعی) دبیران تفاوت معناداری مشاهده شد. در بررسی انواع هوش چندگانه مدیران بر اساس سابقه ی مدیریت، مدرک تحصیلی، نوع مدرسه ی آنان (دولتی، غیر انتفاعی) و نیز جنسیت تفاوت های معناداری وجود دارد.

- حسینی بیدخت (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه اعمال روش هوش‌های چندگانه گاردنر با رشد عاطفی اجتماعی (مسئولیت‌پذیری اجتماعی) کودکان دوره پیش‌دبستانی منطقه ۱ شهر تهران» نتایج تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که: اعمال روش هوش‌های چندگانه، باعث افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی و مسئولیت‌پذیری نسبت به کودکان و مسئولیت‌پذیری نسبت به بزرگترها و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط می‌شود.

- محمدیان (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «مقایسه هوش‌های چندگانه دانش‌آموزان موفق و ناموفق مقطع متوسطه شهرستان مریوان» چنین نتیجه می‌گیرد که بین دانش‌آموزان موفق و ناموفق (دختر و پسر) در هوش‌های دیداری-فضایی، زبانی-کلامی، منطقی-ریاضی، بدنی جنبشی، درون فردی، میان فردی و طبیعت‌گرا تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین نشان می‌دهد که بین دانش‌آموزان موفق و ناموفق در مؤلفه زبانی-کلامی و منطقی-ریاضی تفاوت بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌های هوشی مشاهده گردید. در ضمن نتیجه گرفت که هوش منطقی-ریاضی در تبیین و پیش‌بینی تغییرات هوش عمومی بیشترین نقش را دارد.

- رباطی (۱۳۸۶) در نتایج تحقیقی با عنوان «مقایسه تأثیر آموزش بر اساس دو رویکرد هوش‌های چندگانه با شیوه سنتی تدریس بر عملکرد درس علوم دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی آموزش و پرورش شهر تهران» نشان داد که عملکرد دانش‌آموزانی که بر اساس نظریه گاردنر آموزش دیده‌اند به طور محسوسی از عملکرد دانش‌آموزانی که با شیوه سنتی آموزش دیده بودند، در آزمون پیشرفت تحصیلی و سطوح شناختی (دانستن مفاهیم، کاربرد مفاهیم و استدلال) بهتر بود و عملکرد

گاردنر بر عملکرد حل مسأله‌ی ریاضی بر اساس طبقه‌بندی اصلاح شده‌ی بلوم در دانش‌آموزان دختر دوم راهنمایی شهر قوچان به این نتایج دست یافت که هوش‌های منطقی/ریاضی، فضایی، وجودی، درون فردی و طبیعت‌گرایی با عملکرد حل مسأله‌ی ریاضی دانش‌آموزان بر اساس طبقه بندی اصلاح شده ی بلوم همبستگی مثبت دارند. نتایج این پژوهش می‌تواند در زمینه‌ی پیشرفت عملکرد دانش‌آموزان در حل مسائل ریاضی، یادگیری معنادار، تدریس اثربخش و همچنین آگاهی هر چه بیشتر دبیران در جهت شناخت بیشتر دانش‌آموزان و ارائه تدریس متناسب سودمند واقع گردد.

- مهدی زمانی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین هوش‌های چندگانه گاردنر با مهارت‌های زندگی در دانشجویان کارشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی تهران نتایج ذیل را بیان نمود که در بین دانشجویان رشته‌های مختلف از لحاظ مهارت‌های زندگی و همچنین هوش‌های چندگانه تفاوت معناداری وجود ندارد.

- محمد نیرو، حاجی حسینی و حقانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود تحت عنوان تأثیر آموزش مبتنی بر نظریه هوش‌های چندگانه، بر پیشرفت تحصیلی ریاضی دانش‌آموزان اینگونه بیان نمودند که: ابتدا با استفاده از آزمون هوش‌های چندگانه، ضمن ترسیم نیمرخ هوشی هریک از دانش‌آموزان، دو گروه ۲۵ درصدی بالا و پایین دانش‌آموزان، بر اساس نمره هوش منطقی-ریاضی‌شان شناسایی شد و سپس آموزش هر یک از مفاهیم، با توجه به مقوله‌های هشتگانه هوش انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که در پیش‌آزمون، تفاوت معنی‌داری بین میانگین دو گروه بالا و پایین وجود داشته است که این امر منبث از سوالات در حیطه کاربرد و استدلال بود؛ و در سطح دانستن تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین بین میانگین پس‌آزمون دو گروه و در هیچیک از سطوح شناختی سوالات آن، تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید. لذا علاوه بر اثربخشی بیشتر این نوع آموزش، بر پیشرفت تحصیلی ریاضی دانش‌آموزان، با هوش منطقی-ریاضی پایین، حذف شکاف معمول میان عملکرد ریاضی دو گروه را منجر گردید.

- دکتر خلیل مطلب زاده و مریم منوچهری (۱۳۸۸) در پژوهشی که تحت عنوان "بررسی رابطه هوش‌های چندگانه با مهارت خواندن و درک مطلب در آزمون بین المللی زبان انگلیسی در فراگیران ایرانی" انجام داده‌اند، بیان داشته‌اند که: تنها هوش منطقی ریاضی رابطه معناداری با مهارت خواندن و درک مطلب دارد و هیچ یک از انواع دیگر هوش با آن رابطه معنی دار ندارد. که بنظر می‌رسد به علت طبیعت مشترک این نوع هوش و فعالیت‌های مورد نیاز به هنگام خواندن در زبان دوم باشد.

- مریم رضایی (۱۳۸۸) در پژوهش خود تحت عنوان اثربخشی آموزش ریاضی بر اساس هوش‌های چندگانه گاردنر بر میزان عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری ریاضی دختر پایه سوم ابتدایی اصفهان به این نتایج دست یافت

می‌کردند. هر کدام چهار بار پرسش‌نامه هوش‌های چندگانه را کامل کردند. تفاوت بسیاری بین افراد موفق و ناموفق وجود داشت.

- کمپل (۱۹۹۹) در پژوهش خود با عنوان «هوش‌های چندگانه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان» شرح حال موفقیت شش مدرسه را عنوان می‌کند که مدت پنج سال نظریه هوش‌های چندگانه را در آموزش دانش‌آموزان به کار بردند. نتیجه این تئوری این بود که آنان به این باور رسیدند که هر فرد از توانایی‌های ویژه‌ای برخوردار است. آن‌ها در آزمون استناد آزمون ایالتی و آزمون غیررسمی و پیشرفت تحصیلی، نمرات بالایی داشتند.

- گرین هاوک (۱۹۹۷) در تحقیق خود تحت عنوان هوش چندگانه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به این نتیجه دست یافت که پیشرفت دانش‌آموزان مدرسه مرینلد پس از یک سال استفاده از تکنیک هوش‌های چندگانه، بیست درصد بود. در مدت یک سال به آن‌ها آموزش داده شد که چگونه نقاط قوت و ضعف خود را در هوش‌های چندگانه ارزیابی کرده و به چه طریقی از هوش‌ها به نحو احسن در یادگیری استفاده کنند.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش به بررسی رابطه ی هوش‌های چندگانه و مهارت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران مقطع متوسطه شهرستان مانه و سملقان می‌پردازد لذا روش پژوهش بکار گرفته شده، روش توصیفی پیمایشی می‌باشد. به این جهت کاربردی است، چون می‌توان از نتایج آن برای بهبود و بهینه‌سازی ابزارها، روش‌ها و الگوها در جهت رفع نیازهای مدیران و دبیران و هم چنین ارتقای سطح عملکرد آموزش و پرورش استفاده نمود. و از نظر روش توصیفی است زیرا وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف آنچه هست بدون هیچ گونه دخل و تصرف در آن می‌پردازد. و از آن جهت که گردآوری داده‌ها از طریق نمونه‌گیری از جامعه تحقیق میدانی و تجزیه و تحلیل پاسخهای جامعه به سوالات پرسشنامه صورت می‌گیرد، از نوع پیمایشی زمینه یابی می‌باشد. جامعه این پژوهش شامل کلیه مدیران و دبیران مقطع متوسطه دوم شاغل در آموزش و پرورش شهرستان مانه و سملقان در سال ۱۳۹۳ می‌باشد. با توجه به جامعه پژوهش تعداد مورد نیاز بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۱۲۰ نفر حجم نمونه می‌باشد که روش نمونه‌گیری استفاده شده در این پژوهش روش نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌باشد. در این پژوهش شیوه‌های جمع آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای و روش میدانی می‌باشد. روایی از طریق کسب نظر کارشناسان مورد تایید قرار گرفت و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار spss صورت گرفت.

فرضیات پژوهش

دانش‌آموزان دختر گروه آزمایش به طور محسوسی از عملکرد دانش‌آموزان پسر گروه آزمایش در آزمون پیشرفت تحصیلی و سطوح شناختی (دانستن مفاهیم، کاربرد مفاهیم و استدلال) بهتر بود.

- برایان هافمن و برایان فروست در دانشگاه تخصصی آمریکا به "بررسی رابطه هوش‌های هیجانی، اجتماعی، و شناختی بر ابعاد رهبری واریختی" پرداخته‌اند و بیان داشته‌اند که ابعاد رهبری واریختی شامل جذبه و گیرایی رهبران، توانایی تحریک ذهنی و نیز توانایی توجه فردی رهبری می‌باشد. و در پایان مشخص شده که: رابطه معناداری بین هوش شناختی و توانایی تحریک ذهنی، هوش اجتماعی و توانایی کاریزمایی رهبران و توانایی هوش شناختی با توانایی توجهات فردی رهبران وجود دارد.

- در پژوهشی که در دانشگاه دیاکین استرالیا توسط فیونا گریتر (۲۰۰۲) انجام شده به "بررسی رابطه سطح تفکر استراتژیک در بین کارمندان و هوش هیجانی مدیران" پرداخته شده پس از انجام این تحقیق مشخص شد: بین این دو رابطه مستقیمی وجود دارد و این طور عنوان شد که در ادارات و سازمان‌هایی که سطح تفکر استراتژیک کارمندان بالا باشد مدیران هم از هوش هیجانی در سطح بالای برخوردارند.

- کارور و پرایس و ویلکن (۲۰۰۰) به نقل از روحانی، (۱۳۸۵) برنامه‌ای برای بهبود قدرت انتقال علم و تجربیات زندگی واقعی با استفاده از هوش چندگانه گاردنر اتخاذ کردند. این برنامه روی دانش‌آموزان دوم و ششم و دهم در مجتمع میدوسترن اجرا شد. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان در انتقال دانش به علت کمبود انگیزه و ناتوانی در ایجاد ارتباط بین درس‌های کلاس و وضعیت زندگی واقعی دچار مشکل هستند. پیشنهاد دادند که قدرت انتقال را با استفاده از نظریه هوش‌های چندگانه و تجربیات یادگیری، مرتب ارتقاء بخشند. بعد از پانزده هفته که از اجرای این برنامه گذشت، پیشرفت چشمگیری در این دانش‌آموزان دیده شد.

- دبور، کریستی و فلیسیا (۲۰۰۰) به نقل از روحانی، (۱۳۸۵) طی ۱۶ هفته، نظریه هوش‌های چندگانه را در کلاس درس به معلمان آموزش دادند که نتیجه آن، کاهش برخورد نامناسب معلمان با دانش‌آموزان و افزایش انگیزه در آنان و بهبود نمراتشان بود.

- ستروک در تحقیقی دیگر هدف، ارزیابی موفقیت و عدم موفقیت دانش‌آموزان در موضوعات درسی هنر، زبان، ریاضی، علوم و مطالعات اجتماعی با استفاده از نظریه هوش‌های چندگانه در یکی از دبیرستان‌های ایالت کنتاکی آمریکا در سال ۲۰۰۰ توسط انجمن تحقیقی- آموزشی بود. از دانش‌آموزان سال دهم رشته ادبیات، ریاضی و علوم اجتماعی، دو گروه ۶۰ نفره انتخاب شدند. در هر کدام باید قابلیت هوشی خود در مطالعات ادبیات، اجتماعی، ریاضی و علوم تجربی مشخص

بین هوش میان فردی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه وجود دارد.

- بین هوش بصری/فضائی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه وجود دارد.

- بین هوش حرکتی/جسمانی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه وجود دارد.

بیان مسئله

آموزش و پرورش به عنوان یکی از پیچیده‌ترین نظام‌های جامعه نقش اساسی در گردش امور جامعه، تداوم و بقای آن برعهده دارد. در واقع اساس توسعه علمی و فرهنگی هر جامعه به آموزش و پرورش در آن جامعه وابسته است. در این میان مدیران آموزشی به عنوان یکی از اجزای سیستم آموزش و پرورش نقش مهمی ایفا می‌کنند. اگر مدیران و دبیران آموزشی یک جامعه دارای دانش و مهارت کافی از جمله مهارت تفکر استراتژیک باشند، بدون تردید نظام آموزشی نیز از اثر بخشی، کارایی و اعتبار بالایی برخوردار خواهد بود. گسترش همه جانبه سازمان‌های آموزشی لزوم برخورداری از مدیرانی ماهر و توانمند در به کارگیری دانش و تجربه تخصصی را دو چندان ساخته است. این مدیران با تأثیرگذاری مستقیم بر آموزش سایر مشاغل بر جهت دهی کل جامعه مؤثرند. از آنجایی که مدیران برای داشتن کارایی نیازمند برخورداری طیفی از مهارت‌ها و هوش جهت بکارگیری درست این مهارت‌ها می‌باشند، لذا درباره هوش‌ها تقسیم‌بندی‌های متفاوتی مطرح شده است (میر کمالی، ۱۳۸۵: ۲۴). «هوش» به گوش ما می‌خورد معمولاً مفهوم ضریب‌هوشی (IQ) به ذهنمان می‌آید. هوش معمولاً به عنوان توانایی‌های بالقوه عقلانی تعریف می‌شود. چیزی که ما با آن زاده می‌شویم، چیزی که قابل اندازه‌گیری است و ظرفیتی که تغییر دادن آن دشوار است. اما در سال‌های اخیر دیدگاه‌های دیگری نسبت به هوش پدید آمده است. یکی از این دیدگاه‌ها، نظریه هوش چندگانه است که توسط هاوارد گاردنر، روان‌شناس دانشگاه هاروارد، ارائه گشته است. بر طبق این نظریه، دیدگاه‌های روان‌سنجی سنتی نسبت به هوش، بسیار محدود و ضعیف است. گاردنر نظریه‌اش را نخستین بار در سال ۱۹۸۳ ارائه کرد. به عقیده او همه انسان‌ها دارای انواع مختلفی از هوش هستند. او در کتاب خود، نه نوع مختلف هوش را معرفی نموده طبق نظریه گاردنر، برای به دست آوردن تمام قابلیت‌ها و استعدادها یک فرد، نباید تنها به بررسی ضریب هوشی پرداخت بلکه انواع هوش‌های دیگر او مثل هوش برون فردی، هوش حرکتی/ جسمانی، هوش درون فردی، هوش تصویری-فضایی و هوش کلامی- زبانی، هوش منطقی/ریاضی، هوش موسیقایی، هوش وجود گرایی، هوش طبیعت گرایی نیز باید در نظر گرفته شود (گاردنر، ۱۹۸۳ به نقل از فناخسرو، ۱۳۸۶).

حال این سوال در ذهن نقش می‌بندد که آیا می‌توان از این نظریه در کمک به مسائل و مشکلاتی که معلمان و دبیران و به ویژه مدیران مدارس با آن مواجه هستند و همچنین برای تقویت و رشد تفکر استراتژیک در آنان بهره برد؟ آیا می‌توان با بررسی رابطه هوش‌های جدید نظریه گاردنر و توانایی‌های مورد نیاز این افراد آنها را در انتخاب افرادی توانمند به عنوان مدیر یاری رساند؟ از آنجاییکه داشتن مدیرانی با قدرت تفکر استراتژیک امروزه از نیازهای اساسی ادارات و سازمان‌ها برای رشد و ترقی می‌باشد. و مهم اینکه دستگاه عظیم آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای نقش موثری را در تعلیم و تربیت نیروی انسانی بر عهده دارد، از این نیاز مستثنی نبوده و همین ما را به سمتی سوق می‌دهد که از خود بپرسیم چگونه می‌توان چنین مدیران مناسبی را که دارای ذهنی باز و مهارت تفکر استراتژیک هستند، را شناسایی کرد و در راس امور گذاشت تا مدارس را در مسیری رو به رشد و همراه با موفقیت، خلاقیت یاری رسانند (ایچی اومی کن، ۱۳۷۱: ۲۹). در دنیای متغیر امروز که سیل عظیمی از اطلاعات در زمانی بس اندک بوجود می‌آید و محیط پیرامونمان در چشم بهم زدن دچار خواستها و نیازهای جدیدی می‌شود، تنها به کمک تفکر استراتژیک است که می‌توان به این نیازها پاسخ داد و بهره‌وری را برای سازمان به ارمغان آورد حال که به اهمیت تفکر استراتژیک اشاره شد، دیگر گمان نمی‌رود ضرورت وجود متفکران استراتژیک در بطن سازمان بر کسی پوشیده باشد. مدیران و دبیرانی که بتوانند آینده را متفاوت ببینند و در مواجهه با آن ناکام نمانند، افرادی با فراست که آینده را خلق نمایند. با توجه به همین اهمیت و تلاش برای به کارگیری افراد با توانایی‌هایشان در راستای نیازها و مشکلات در پی بررسی رابطه قدرت تفکر استراتژیک و هوش‌های چندگانه برآمدیم تا ضمن مشخص نمودن رابطه بین هریک از هوش‌های این نظریه و قدرت تفکر استراتژیک، بتوانیم افرادی را که در زمینه هوش‌های مرتبط با متغیر تفکر استراتژیک از توانایی‌های بیشتری برخوردار هستند را شناسایی کرده و از آنها در راستای رسیدن به اهداف بهره ببریم (بهرامی، طاهری فرد، ۱۳۹۱).

جامعه آماری کلیه مدیران و دبیران مقطع متوسطه شهرستان مانه و سملقان به تعداد ۲۰۰ نفر می‌باشند. و نمونه آماری شامل ۱۲۷ نفر از مدیران و دبیران مقطع متوسطه شهرستان مانه و سملقان در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ می‌باشند.

متغیرهای پژوهش: هر یک از مولفه‌های هوش‌های چندگانه گاردنر در این پژوهش به عنوان متغیر مستقل و مهارت تفکر استراتژیک به عنوان متغیر وابسته می‌باشند. همچنین سطح تحصیلات و جنسیت متغیر تعدیل کننده می‌باشند.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

فرضیه اول به بررسی رابطه بین هوش میان فردی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه مدیران و دبیران شهرستان مانه و سملقان می‌پردازد که به منظور آزمون، این فرضیه به صورت فرضیه‌های آماری، H_1 (نشان دهنده ادعا) و H_0 (نشان دهنده نقیض ادعا) تبدیل می‌شود.

جدول (۳): نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه‌ی اول

متغیر	تفکر استراتژیک
فرضیه‌ی اول	۰/۲۴۳***
هوش میان فردی	۰/۰۰۰
سطح معناداری	۱۲۷
حجم نمونه	۱۲۷

جدول بالا نشان می‌دهد که همبستگی بین مولفه هوش میان فردی با تفکر استراتژیک مدیران و دبیران برابر با ۰/۲۴۳ می‌باشد و با توجه به سطح معناداری برآورد شده که برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد و در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد می‌توان ادعا کرد که فرض صفر رد و نقیض آن تأیید می‌گردد، یعنی فرض H_1 پذیرفته می‌شود. در نتیجه بین هوش میان فردی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه رابطه معناداری وجود دارد. یعنی هوش میان فردی در ایجاد و ارتقاء تفکر استراتژیک مدیران و دبیران اهمیت بسزایی دارد و با ارتقاء هوش میان فردی، تفکر استراتژیک نیز ارتقاء می‌یابد.

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم به بررسی رابطه بین هوش حرکتی/جسمانی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان می‌پردازد که به منظور آزمون، این فرضیه به صورت فرضیه‌های آماری، H_1 (نشان دهنده ادعا) و H_0 (نشان دهنده نقیض ادعا) تبدیل می‌شود.

جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه‌ی دوم

متغیر	تفکر استراتژیک
فرضیه‌ی دوم	۰/۱۴۵
هوش حرکتی/جسمانی	۰/۱۰۶
سطح معناداری	۱۲۷
تعداد	۱۲۷

جدول بالا نشان می‌دهد که همبستگی بین هوش حرکتی/جسمانی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران برابر با ۰/۱۴۵ می‌باشد که با توجه به سطح معناداری ۰/۱۰۶ بدست آمده برای آن در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد می‌توان ادعا کرد که فرض صفر پذیرفته شده و نقیض آن رد می‌گردد، یعنی

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد. در این پژوهش از دو پرسشنامه هوش چندگانه (۳۰ سوال) و مهارت تفکر استراتژیک (۳۰ سوال) استفاده می‌شود.

جدول (۱): مقدار ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ها

پرسشنامه	تعداد سوالات	ضریب آلفای کرونباخ
هوش چندگانه	۳۰	۰/۸۹۳
تفکر استراتژیک	۳۰	۰/۹۴۴

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق بدلیل استفاده از مقیاس فاصله‌ای برای اندازه‌گیری متغیرها، ضریب همبستگی پیرسون جهت شناسایی نوع و میزان رابطه موجود بین متغیرها مورد استفاده قرار گرفته است.

در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از بسته نرم افزاری SPSS استفاده شده است. نظر بر اینکه متغیرهای این تحقیق به کمک روش آزمون توزیع نرمال داده‌ها (آزمون کولموگروف-اسمرینوف) و همچنین فاصله‌ای - عددی بودن داده‌ها، برای بررسی وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

روایی و پایایی پرسشنامه: روایی محتوای پرسشنامه بر اساس منابع علمی مرتبط با موضوع و نظر استاد محترم راهنما و اساتید متخصص در این زمینه تأیید شده است. برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز یک مرحله پیش آزمون انجام گرفت. بدین صورت که پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و وارد کردن داده‌ها، با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ ریب پایایی (آلفای کرونباخ) محاسبه گردید.

جدول (۲): میزان آلفای کرونباخ مؤلفه‌های هوش‌های چندگانه

مؤلفه	تعداد سوالات	ضریب آلفای کرونباخ
هوش بصری-فضایی	۱۰	۰/۸۱۰
هوش حرکتی-جسمانی	۱۰	۰/۷۳۹
هوش میان فردی	۱۰	۰/۸۷۶

یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول

یعنی منابع انسانی بویژه مدیران که مهمترین عامل در موفقیت سازمان هستند نهفته و نقش و تاثیرشان در ارتقای سازمان و دستیابی به رسالتش قابل توجه می‌باشد. از بین هوش‌های چندگانه میان فردی، بصری/فضایی، حرکتی تنها در مولفه هوش میان فردی رابطه معناداری دیده شد. همانطور که می‌دانیم هر یک از این هوش‌ها دارای توانایی در حل مسائل مربوط به حوزه خاص خود را دارا هستند. بنابراین اینگونه می‌توان عنوان کرد که در هر یک از هوش‌های چندگانه در تحقیق حاضر مدیران و دبیرانی که هوش میان فردی بالایی را دارا هستند از قدرت تفکر استراتژیک بالاتری نیز برخوردار هستند. از دیگر مسائلی که می‌تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد این موضوع است که با توجه به اینکه در نظریه هوشهای چندگانه هاواردگاردنر هوش‌های افراد در طول عمر ثابت نیستند و می‌توان به کمک آموزش و تمرین در حیطه مربوط به هر یک از این هوش‌ها آنها را بهبود بخشید و سطح آنها را بالا برد میتوان این پیشنهاد را به سازمانها ارائه داد تا با برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی متناسب و با استفاده از روشها و متدهای آموزشی مرتبط و منطبق با نظریه هوش‌های چندگانه که در این زمینه وجود دارد به افراد سازمان کمک می‌شود تا هریک از این هوشها را تقویت کرده تا در نهایت از آنها در جهت منافع سازمان استفاده شود. به هر حال گفتن این نکته ضروری به نظر می‌رسد که حتی با توجه به بررسی‌های انجام شده و مشخص شدن رابطه هوش‌های چندگانه و تفکر استراتژیک نمی‌توان برای ایجاد تفکر استراتژیک در سازمانها تنها به استخدام افرادی که دارای توانایی‌های بالا در هوش‌های مرتبط با قدرت تفکر استراتژیک هستند بسنده نمود، بلکه شرایط و عوامل متعدد دیگری نیز هستند که باید به آنها توجه نمود، و در نهایت تعامل این عوامل است که به ایجاد این مزیت در سازمان‌ها بویژه نظام تعلیم و تربیت یاری می‌رساند.

با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که: بین هوش‌های چندگانه و مهارت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه مستقیم، مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از «بین هوش‌های چندگانه (هاوارد گاردنر) و مهارت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه معناداری وجود دارد» که فرضیه‌ی مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد تأیید قرار گرفت. همبستگی بین هوش‌های چندگانه (هاوارد گاردنر) و مهارت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران برابر با ۰/۱۹۰ می‌باشد. از طرفی با توجه به سطح معنی‌داری برآورد شده که برابر ۰/۰۳۳ می‌باشد، در نتیجه بین هوش‌های چندگانه (هاوارد گاردنر) و مهارت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه معناداری وجود دارد. یعنی هوش چندگانه در ایجاد و ارتقاء تفکر استراتژیک سازمانی اهمیت بسزایی دارد و با ارتقاء هوش چندگانه، تفکر استراتژیک نیز ارتقاء می‌یابد.

فرض H_1 رد می‌شود. در نتیجه بین هوش حرکتی/جسمانی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه معناداری وجود ندارد.

آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم به بررسی رابطه بین هوش بصری/فضایی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان می‌پردازد که به منظور آزمون، این فرضیه به صورت فرضیه‌های آماری، H_1 (نشان دهنده ادعا) و H_0 (نشان دهنده نقیض ادعا) تبدیل می‌شود.

جدول (۵): نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه‌ی سوم

متغیر	تفکر استراتژیک
فرضیه‌ی سوم	همبستگی
هوش بصری/فضایی	۰/۱۶۰
سطح معناداری	۰/۰۷۶
حجم نمونه	۱۲۷

جدول بالا نشان می‌دهد که همبستگی بین هوش بصری/فضایی با تفکر استراتژیک مدیران و دبیران برابر با ۰/۱۶۰ می‌باشد و با توجه به سطح معناداری برآورد شده که برابر ۰/۰۷۶ در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد می‌توان ادعا کرد که فرض صفر پذیرفته و نقیض آن رد می‌گردد، یعنی فرض H_1 رد می‌شود. در نتیجه بین هوش بصری/فضایی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

هوش چندگانه به عنوان یک نظریه علمی جدید توانسته است تا حد زیادی در ابعاد گوناگون علوم رفتاری و روانشناسی و در چند سال اخیر در مدیریت نفوذ و تاثیر گذاری پیدا نماید. بطوریکه بسیاری از پرسش‌های بی پاسخ گذشته در حوزه مدیریت، به پشتوانه این نظریه قابل حل شده است. برای نمونه تا چند سال قبل، انتخاب و انتصاب مدیران جدید تنها از طریق سابقه و میزان دانش مرتبط با حوزه مدیریتی مورد نظر امکان پذیر تفکر استراتژیک و هوش دو ویژگی برتری هستند که در هر یک از اعضای سازمان نهفته است طبق نظر ماری آن گلین هوش چندگانه، نتیجه اجتماعی هوش فردی است و خاستگاه آن همچون تفکر استراتژیک ذهن است بنابراین ارتباط دو متغیر هوش چندگانه و تفکر استراتژیک را میتوان در منشا و خاستگاه آنها دانست هوش چندگانه دامنه وسیعی از فعالیت‌های مدیریتی در رابطه با تفکر استراتژیک، توسعه سازمانی و استراتژیها و برتری اجرایی را در بر می‌گیرد و منجر به صرفه‌جویی در زمان و منابع در سازمان می‌گردد، این دو ویژگی در سلولهای سازمانی

برابر با ۰/۱۴۵ می‌باشد. در نتیجه بین هوش حرکتی/جسمانی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه معناداری وجود ندارد. نتیجه این فرضیه با پژوهش های لیلا صادقی (۱۳۸۷) نادر قلی قورچیان و همکارانش در سال ۱۳۹۰ قابل تایید است.

فرضیه سوم تحقیق عبارت است از «بین هوش بصری/فضائی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه معناداری وجود دارد» که فرضیه‌ی مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به همبستگی (۰/۱۶۰) بین هوش بصری/فضائی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و سطح معنی‌داری برآورد شده که برابر ۰/۰۷۶ می‌باشد، بین هوش بصری/فضائی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه معناداری وجود ندارد. نتیجه این فرضیه با پژوهش صالحه حامدیان (۱۳۹۰)، دکتر خلیل مطلب زاده و مریم منوچهری (۱۳۸۸) قابل تایید است.

پیشنهادات کاربردی

با توجه به تحولات شگرفی که در هزاره سوم بر نظام تعلیم و تربیت تحمیل شده است، ضروری است در انتخاب و انتصاب مدیران و دبیران از متغیرهای جدیدتری از قبیل هوش چندگانه بهره برد.

ایجاد بسترهای لازم برای افزایش و تقویت هوش‌های چندگانه و در نتیجه تفکر استراتژیک مدیران و سوق دادن آنان به سمت بهره‌گیری از تفکر استراتژیک

برخی از انواع هوش‌ها در افراد مختلف در سنین کودکی تقویت و بهبود می‌یابد، اما برخی از آن‌ها را می‌توان حتی در میانسالی و بزرگسالی هم تقویت نمود (از قبیل هوش درون فردی و میان فردی). البته شاید این تقویت در سنین کودکی آسان‌تر باشد اما یادگیری و آموزش در هیچ سنی غیر ممکن نمی‌باشد. در واقع تاکنون نظریه‌ای مطرح نشده است که حدود زمانی برای یادگیری تعیین نموده باشد. به بیان دیگر تنها با مرگ انسان یادگیری وی خواهد مرد. بنابراین ضروری است برنامه ریزان و مدیران ارشد اسلامی در زمینه هوش‌های چندگانه مدیران و کارکنان از جمله هوش‌های درون فردی، میان فردی و هوش کلامی، اقدام به تدوین برنامه ریزی‌های لازم نمایند.

تدوین استراتژی تقویت هوش چندگانه در سطوح مختلف سازمانی مدارس، در مجموع موجب تبدیل مدارس به یک سازمان یادگیرنده خواهد شد. لذا ضروری است از طریق یک برنامه کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در جهت تحقق چنین مهمی گام‌های علمی و عملی برداشت.

ضروری است تدوین برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم و آموزش‌های ضمن خدمت مدیران و دبیران

از جمله تحقیقاتی که می‌توان به آن اشاره نمود تحقیقی است که در دانشگاه، دیاکین استرالیا، توسط فیونا گریتز انجام شده است، اشاره نمود در این تحقیق به بررسی رابطه سطح تفکر استراتژیک در بین کارمندان سازمان و هوش مدیران سطح بالای شرکت پرداخته است. پس از انجام تحقیق مشخص شد بین این دو رابطه مستقیمی وجود دارد و اینطور عنوان شده است که در سازمانهایی که سطح تفکر استراتژیک کارمندان بالا می‌باشد مدیران هم از هوش در سطح بالایی برخوردار هستند (گریتز، ۲۰۰۲). همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش کمپل (۱۹۹۹)، رنجبری و همکاران (۱۳۹۲)، فخری و نوری (۱۳۹۲)، نصیری و همکاران، قورچیان و همکاران (۱۳۹۰)، حامدیان (۱۳۹۰)، زمانی (۱۳۹۰)، نیرو و همکاران (۱۳۸۹)، مطلب زاده و منوچهری (۱۳۸۸)، رضایی (۱۳۸۸)، صادقی (۱۳۸۷)، حسینی (۱۳۸۷)، محمدیان (۱۳۸۶)، رباطی (۱۳۸۶)، هاشمی و همکاران (۱۳۸۵)، شریفی (۱۳۸۴)، فیض آبادی (۱۳۸۳)، هاشمی (۱۳۸۳)، فرجامی (۱۳۸۱)، بالغی زاده (۱۳۸۱) قابل تایید است. یعنی هوش چندگانه در ایجاد و ارتقاء تفکر استراتژیک سازمانی اهمیت بسزایی دارد و با ارتقاء هوش چندگانه، تفکر استراتژیک نیز ارتقاء می‌یابد.

فرضیه اول تحقیق عبارت است از «بین هوش میان فردی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه معناداری وجود دارد» که فرضیه‌ی مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ برآورد شده، همبستگی بین هوش میان فردی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران برابر با ۰/۲۴۳ می‌باشد. در نتیجه بین هوش میان فردی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه مدیران و سملقان رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس پژوهش‌های انجام شده (ساروفین، ۱۹۹۹؛ ویلسون، ۲۰۰۴؛ هافمن و دیگران، ۲۰۰۶ و شال، ۲۰۰۸) معمولاً در مدیران موفق هوش میان فردی بصورت بارز در سطح بسیار بالایی قرار دارد. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد در مدیران و دبیران مورد پژوهش هوش میان فردی در سطح بسیار بالایی قرار دارد. و بین هوش میان فردی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه مدیران و دبیران شهرستان مانه و سملقان رابطه معناداری وجود دارد. نتیجه این فرضیه با پژوهش رنجبری و همکاران (۱۳۹۲) و دکتر فخری و نوری (۱۳۹۲)، دکتر فخرالسادات نصیری و همکاران (۱۳۹۰)، صالحه حامدیان (۱۳۹۰) لیلا صادقی (۱۳۸۷)، محمدیان (۱۳۸۶) قابل تایید است.

فرضیه دوم تحقیق عبارت است از «بین هوش حرکتی/جسمانی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان مانه و سملقان رابطه معناداری وجود دارد» که فرضیه‌ی مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به سطح معنی‌داری برآورد شده که برابر ۰/۱۰۶ می‌باشد، همبستگی بین هوش حرکتی/جسمانی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران

intelligences Gardner by selecting a field of study and academic achievement, *Journal of Psychology*, 10(3).
 Hajihosini H, Gh R, and Baleghizadeh, S. (2002). Gardner's multiple intelligences theory and its application in education. Tehran: JTS, Tarbiat Moallem University Press
 Kadivar, P. (2007). Application of Psychology in Education. Tehran: University Publication Center.
 Kleine, perry, D. (1997). Multiplying the problem of intelligence by eight: a critique of gardner's theory . *Canadian Journal of education*.v,22.
 Kylvtn, S. (2001). How to develop their strategic skills. Translation: Verdinejad, F.
 Iranzadeh, S., and Sadeghi, A. (2008). The relationship between strategic thinking skills and multiple intelligences Gardner among business executives and sales. *Journal of Management Sciences*, 4: 85-116.
 Iranzadeh, S. Sabahi, E., and Amari, H. (2008). Strategic Thinking. First Edition, Tabriz, Foruzesh Press.
 Mirkamali, S M. (2006). Educational leadership. Tehran: Yasterun Press.
 Kornhober, mindy, Edward fierros and Shirley veenema. (2003). Multiple intelligence: best ideals
 Mintzberg, h. (1987). the strategy concept 1: five ps for strategy" *colifornia management reviu fall*.
 Nilson, I. (1994). "Strategic planning isn't dead-it changed", *Long Range Planning*, Vol. 27, No.
 Nolen, J. L. (2007). Multiple intelligences in the classroom- .*Education journal*, no: 124(1), pp: 115-119
 Plomin, R. (1988). The nature and nature of cognitive abilities. *Advances in the Psycology of human intelligence* . NJ: Erlbaum.
 Ohmae, Kenichi. (1991). The Mind Of The Strategist. Translate (Meskarian H, D), *Industrial Management*
 Pasha Sharifi. H., and Najafi Z, J. (2011). Statistical methods in the behavioral sciences (descriptive and Organization. inferential statistics). Tehran: Maharat Press.
 Skaran, Omaha. *Methods of Research in Management*. (2012). Translation: Saeb, M., Shirazi, Mahmoud .Third Edition, Tehran: the Institute of Higher Education and Research Management and planning Press.
 Seif, AA . (2005). Educational psychology, psychology of learning and teaching. Tehran: Agah Press.
 Terman, L.M . and Merrill, M.A. (1973) *Masuring intelligence* .Boston: Houghton Mifflin.
 Witek Crabb, Anna (2012), "Sustainable Strategic Management And Mark Effectiveness Of Enterprises", *Social And Behavioral Sciences*, Vol 58, P. 899-905.

مدارس مبتنی بر نظریه هوش چندگانه با در نظر گرفتن سن، جنسیت، نوع مشاغل و سطح یادگیری دبیران و مدیران باشد.

برگزاری سمینارها، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی جهت تبیین و گسترش مفهوم هوش چندگانه در سازمان آموزش و پرورش

سنجش و ارزیابی سطح هوش چندگانه مدیران و دبیران در جهت ارتقاء و تغییر وضعیت شغلی‌شان بر اساس نوع هوش چندگانه. با توجه به نتایج بدست آمده می توان این پیشنهاد را به سازمانها ارائه داد که به منظور تجهیز سازمان به مزیت کلیدی قرن بیست و یکم که همانا داشتن تفکر استراتژیک است، مدیرانی را در سازمان خود به کار گیرند که در هریک از این هوشها از توانایی بیشتری برخوردار باشند.

فهرست منابع

Armstrong, T. (2004). 7 kind of smart. Translation: Sepehrpour, N. Beyk Adin Press.
 Armstrong, T. (2002). Multiple Intelligences In Classroom. Translation: Safari, M. Madrese Press.
 Abraham, Stan (2005), "Stretching Strategic Thinking" *Strategy and Leadership*, Vol33. P.5-12
 A.de feo, joseph & janssen, Alexander (2001). "Implementing a strategy success fully," *Measuring Business Excellence* .
 Ahmadi, A., and Skandari, M. (2006). Implementing Strategic thinking in supply chain management. Second conference on logistics and supply chain.
 Armstrong, T. (1999). 7 kinds of smart: Identifying and Developing Your Multiple Intelligences. New York. Penguin.
 Babaeva, J. D. ; Vioskounsky, A E. (2002). Intelligences Theory: Giftedness in children and adolescents. *Educational technology and society*, 5, 1, 154-159.
 Bahrami H. R., and Taheri F, T. (2012). A conceptual model for assessing management thinking based on elements of strategic thinking. *Journal strategy*, 5(8): 3-29.
 Bauerlein, M. (2005). More on Multiple intelligences. *Wilson Quartwry*, 29, 1, 10.
 Beceren, B. (2010). Determining multiple intelligences pre-school children (4-6 age) in learning process. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 2473-2480.
 Gardner, Howard. (1983). *Frames of mind : the theory of multiple intelligence* .New York: basic books.
 Gardner , howard. (1993). *Multiple intelligence: the theory into practice* .New York: basic books.
 Gardner , Howard. (2004) *Changing minds: the art and science of changing our own and other peoples mind*. Boston: Harvard business school press.
 Ghoorchian, N gh., Jafari, P., and Rezghi sh, H. (2011). Determine the level of multiple intelligences in the management of higher education, *Journal of Educational Leadership and Management*, Garmsar Islamic Azad University. 2: 152-137
 Golmohammadi, E., Kfchh, P., and Sultanpanah, H. (2013). Styles of leadership and strategic thinking in the organization. *Strategic Management Studies*, 15: 114-93
 Hashemi, V., Bahrami, H., and Karimi, Y. (2005). Investigate the relationship between the eight